

آقای منتظری جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی را که بنا است بیرون از اردوگاه غرب و ارزش‌های غربی به صحنه آید، شناخت

شماره پرسش: ۱۷۹۰۰

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۵/۹/۹ ۰۹:۱۳:۰۴

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد گرامی: جناب استاد چندیست درگیر موضوع منتظری شده ام و بسیاری از حرفها و گفته های ایشان را از طریق خاطراتشان مطالعه کرده ام، در مورد شخصیت و نوع نگاه ایشان تضادهای زیادی به چشم می خورد، تضادهایی که حتی باعث می شود قاطبی کنم بین درست و غلط، اما می خواهم حقیقت را دریابم. می خواهم نوع برداشت خودم را عرضه کنم تا شما بهتر توضیح دهید برایم. آقای منتظری در کتاب انتقاد از خود موضوعات مختلفی را بیان کرده و نظرات الان خودش را با نظرات دوران انقلاب مقایسه و نقد کرده است که چند مورد از مطالب کتاب ایشان را مختصر بیان میکنم: ۱. اشتباه دیگر من تسخیر سفارت آمریکا است من در آن فضا این عمل را تایید کردم در حالی که امروز بر این باورم این کار بدون اینکه فایده چندانی برای کشور داشته باشد ضررهای فراوانی به بار آورد و ملت آمریکا و دیگر ملت ها را نسبت به جمهوری اسلامی بدبین کرد. ۲. در ماههای اول انقلاب به امام گفتم در دنیا رسم است بعد از هر انقلابی هیئت های را به عنوان حسن نیت به اطراف می فرستند و سیاستهای خود را توضیح می دهند و... که امام گفت ول کن این حرفها را و... در نتیجه منجر به حمله صدام به ایران شد! ۳. نقد دیگری که بسا بیش از همه متوجه من گردد این است در تدوین قانون اساسی بیشتر اختیارات را برای مقام رهبری قرار دادیم و تقریباً قدرت را در وی متمرکز کردیم بدون اینکه برای پاسخ گویی و نظارت واقعی و مردمی بر عملکرد رهبری تمهیدی بیاندیشیم. ۴. اشکال دیگری که هم به من و هم مرحوم امام و هم سایر آقایان اهل مبارزه متوجه است این است که همگی در فکر سقوط رژیم شاه بودیم بدون اینکه به معضلات بعد از آن فکر و مطالعه جدی کرده باشیم و اینکه از تجربیات سایر کشورهایی که با انقلاب رژیم فاسدی را ساقط کرده و نظام مورد قبول خود را به جای آن قرار داده اند مطلع باشیم. این نکته را بارها گفته ام که انقلاب ما هنگامی که پیروز شد ما حداقل هزار قاضی مجتهد عادل عاقل نیاز داشتیم در صورتی که ده تا قاضی واجد آماده نداشتیم و از این راه بسیار آسیب دیدیم. ۵. جو داغ و ملتهد اول انقلاب موجب شده بود که برخی تندروی ها و طرح های نپخته و نسنجیده و به اصطلاح انقلابی انجام پذیرد و یا صحبت های تندی بر زبان جاری شود که من هم کم و بیش در پاره ای از این موارد تحت تاثیر قرار گرفتم. اینجانب در سالهای اوایل انقلاب تحت تاثیر شرایط ویژه آن زمان از جمله کسانی بودم که از این نهادها و مصوبات آن دفاع کرده ام و این موضع گیری و دفاع امروز از موارد قابل نقد در مواضع من به شمار می آید جالب اینکه چندی پیش یکی از بستگان نزدیک جمله ای را که من در آن سالها

درجلسه ای خصوصی در دفاع از مصوبات فرا قانونی این شورا گفته بودم و ضبط شده بود بدون ذکر نام گوینده برای من آورد من با خواندن آن جمله با ناراحتی گفتم: «این حرفها چیست که نوشته ای؟!» و او بلافاصله گفت: صحبت‌های خود شماست که در آن سالها گفته بودید!! ۶. پس از حملاتی که در سال ۱۳۶۸ به بیت من شد و مهاجمان از من در شعارها به عنوان ضد ولایت فقیه یاد کردند، در سخنانی که در جلسه درس بعد از حمله کردم ضمن یادآوری این که اصولا من پایه گذار ولایت فقیه بوده ام و حدود چهار جلد کتاب در استحکام مبانی فقهی دولت اسلامی نوشته ام و ذکر این نکته که مرحوم آیت الله بروجردی اصل حکومت اسلامی را از ضروریات اسلام می دانستند چنین تعبیر کردم که هر کس مخالف ولایت فقیه باشد من چشم او را در می آورم، و منظور من ولایت فقیه جاری که عموما از آن می نالند نبود، بلکه ولایتی بود که مظهر آن پیامبر اکرم و امام علی بودند اما بسیاری از دوستان مرا مورد نقد قرار دادند که چرا این تعبیر را به کار برده ام. من اکنون که روزگار ولایت فقیه به وضعیت تاسف بار کنونی رسیده است نقد دوستان را می پذیرم و خودم را مورد سرزنش قرار می دهم و می گویم: چنین تعبیری در هیچ شرایطی صحیح نیست و آن تعبیر من در حقیقت یک موضع انفعالی در واکنش به شعار ضد ولایت فقیه نسبت به من بود. پایان کلام منتظری. جناب استاد طاهرزاده قبل از اینکه سوالاتم را مطرح کنم چند نکته از برداشت‌هایم را بگویم: چقدر منتظری خودش را می بیند و حساب می کند!! در همه نوشته هایش خود را در حد امام حکیم حساب می کند!! مدام می گوید من و امام!! آخر اگر امام خمینی نبود کدام حرکت به ثمر می نشست؟ و اگر منتظری نبود کدام حرکت ابتر می ماند؟؟!! نمی دانم اما هرچه فکر می کنم خیلی خودش را بالاتر از آنچه هست مطرح می کند شاید باورش آمده رهبر جهان اسلام بوده و هست!! آقای منتظری بارها بیان می کند که من جوگیر شدم!! من احساساتی شدم!! آخر اگر یک جوان پرشور کم سن و سال بگوید من جوگیر شدم شاید بشود قبول کرد که آن هم قابل قبول نیست، اما این حرف را ظاهرا فقیهی می گوید که سن و سالی ازش گذشته بوده و خودش را در حد امام خمینی آن حکیم خبیر بصیر می بیند!! واقعا عجیب است جناب استاد، به نظرم این انتقاداتی که منتظری از خودش کرده می خواسته خودش را عاقل نشان بدهد و شاید می خواسته بگوید من عاقل شدم اما شخص امام عاقل نشد!! اما بیش از آنکه بخواهد چهره ای عقلایی از خودش برای ما ترسیم کند چهره ای کم فکر و ساده و لجباز از او برای ما روشن می شود!!!! این صحبت های منتظری برای ما روشن می کند که نظرات ایشان در اول انقلاب نه تنها فقیهانه نبوده بلکه بسیاری از آنها هیچ فکری پشتش نبوده است صرفا تحت تاثیر بوده و اصلا به راه ایمان نداشته است!! چه راحت می گوید احساساتی شدم!! من نمی خواهم بگویم احساسات در انقلاب و افراد نقشی نداشت، اما قطعا بزرگان مبارز و در راس آنها شخص امام خمینی به هیچ وجه از روی احساسات صحبت نمی کرد، اما منتظری امام خمینی را هم مانند خودش می بیند و امام را در حد خودش پایین می کشد!! مگر می شود شخصی هر روز حرکاتی انجام بدهد فردا بگوید جوگیر شدم چنین خطایی از یک جوان ساده هم بعید است!! اما انگار منتظری متوجه نیست دارد تمام مبانی خود

را زیر سوال می برد، حرکاتی مانند تسخیر لانه جاسوسی که امام فرمود انقلاب بزرگتر است را به راحتی می گوید جوگیر شدم، تایید کردم!! پس فقاقت چه می شود تحقیق و کار روی مبانی چه می شود؟! منتظری می فهماند نه در انقلاب مبنای دقیقی داشته نه الان!!! احساس می کنم منتظری انقلاب را اصلا نمی فهمد! انقلاب را مثل انقلاب فرانسه می بیند! مانند آن یا کمی متفاوت، اما گویی ولایت فقیهی را که ادعا می کند خودش پایه گذاری کرده اصلا این ولایت فقیه را نمی فهمد و نمی بیند!! گویی هیچ نمی فهمد، نمی دانم چه بگویم!! بیشتر گفته های منتظری خوراک بی بی سی و منافقین بوده و است بیشترش خیانت است. منتظری در انقلاب بود اما با انقلاب نبود احساس می کنم همیشه زاویه داشته اما خودش را نشان نمی داده است!! چند سوال دارم جناب استاد: ۱. الان هر روز بی بی سی فارسی خاطره و صحبتی را از منتظری علم می کند و جار و جنجال درست می کند واقعا منتظری متوجه نبوده چه خدمتی را به شیطان می کرده است؟؟!! ۲. جناب استاد آیا برداشتهای من صحیح است یا سطحی است؟ ۳. در جایی منتظری گفته من گفتم چشم ضد ولایت فقیه را در می آورم و الان پشیمانم و می گوید منظورم از ولایت فقیه شخص پیامبر است یعنی چی استاد؟ چرا پشیمان است؟ ۴. در جایی گفته من با ولایت فقیه مخالف نیستم منظورش اینست با شخص ولی فقیه مخالف است، استاد آیا همچین حرفی جایز است؟ اگر این سخن درست باشد دیگر ولی فقیه به چه کار می آید؟؟!! هر کسی می تواند بگوید من ولایت فقیه را قبول دارم با شخص مشکل دارم!!؟؟ ۵. آیا منتظری پایه گذار ولایت فقیه است؟؟ مگر در نجف امام خمینی ولایت فقیه را شرح نداد؟ ۶. من یقین دارم منتظری برای بعد از سقوط شاه هیچ برنامه ای نداشته است، اما آیا امام خمینی هم برنامه ای نداشت؟؟ ۷. قانون اساسی را منتظری نوشته؟؟ ۸. تمرکز قوایی که می گوید یعنی چی؟ مگر امام خمینی نفرمود اختیارات ولی فقیه بیش از آن چیزی است که در قانون اساسی آمده؟؟ ۹. ایشان در جایی گفته بعد پیروزی انقلاب بیت امام را غرور گرفت و احساس می کنم منظور از بیت امام خود امام است، آیا چنین است؟ آیا امام از روی احساسات کاری انجام داده است؟ ۱۰. ایشان گفته هزار قاضی مجتهد باید قبل از انقلاب می داشتیم، اصلا چنین چیزی در خفقان دوران شاه امکان داشت؟؟ این نحوه حرف زدن یک جور پرت و پلا گویی نیست؟؟ خیلی خیلی بیخشید از اینکه متن طولانی شد استاد واقعا به روشن گریهای شما نیاز دارم. خداوند شما را حفظ کند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در یک کلمه می توان گفت: آقای منتظری جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی را که بنا است بیرون از اردوگاه غرب و ارزش های غربی به صحنه آید، نشناخت و بنا داشت با به رسمیت شناختن غرب، زندگی را ادامه دهد و این موجب این همه پراکنده گویی ها شد که غرب امروز از آن بهترین بهره ها را در راستای مقابله با انقلاب اسلامی می برد. موفق باشید